

۲ انقلاب اسلامی؛ فرصت تجربه
مدرنیته درون‌زای توسعه‌ای

۵ سوره نساء؛ مدنیت و فاعلیت مدنی

۸ چیزها چونان جاری در وجود با سوره انعام

۱۰ فاعلیت ایجاد جریان‌های تفسیری

۱۵ ساختار تازه‌ای برای فلسفه اصول

۱۹ پیشرفت به مثابه یک سازوکار

۲۱ گذار توسعه‌ای از مدنیت ۹۸



خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال هشتم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۹۹

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

جهان ایرانی در ۲۰۰ ساله گذشته خویش در تکاپوی تجربه مدرن‌روش ساختن کشور است؛ با مسیری بسیار پرچالش و البته درست. مسیری که به ناگزیر باید تجربه می‌شد و باید از این تجربه تاریخی درس گرفته، اشتباهات خود را تکرار نکرده و شکاف‌های ذهنی و تئوریک بازشناسی شده را پر نمود. آینده قرار نیست که چنین بماند. باید که به توافق بر روش ساختن کشور در رسیدیم. مسئله مرکزی ما اینک این روش ساختن است. دهه اخیر در ادامه این فرآیند به دو نقطه عطف تاریخی رسیده است؛ یکی سرنوشت توسعه و دیگری سرنوشت جامعه اسلامی. اینک و در دهه اخیر، جمهوری اسلامی ایران در آستانه ورود به مرحله‌ای است که به شیوه گذشته قابل تداوم نیست و برای اصلاح خود باید تصمیمات اساسی بگیرد. نهاد نخبگانی و پیشاهنگ مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) نیز در این راستا سودای اثرگذاری دارد.

نوبت گزارش اردیبهشت این نهاد تحقیقاتی رسیده است:

۱. «انقلاب اسلامی؛ فرصت تجربه مدرنیته درون‌زای توسعه‌ای» در دوره معاصر جامعه ایرانی و نظام مسائل راهبردی این فرصت تاریخی که در ذیل مأموریت انجمن علمی هم‌اندیشی پیشرفت در دستور گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنای قرار گرفته است؛
۲. در گروه پژوهش تفسیری فرازهای گام تازه پژوهش در «جدیت بر حکم، فقه مقاصدی» با سوره بقره، «مدنیت و فاعلیت مدنی» با سوره نساء، «فلسفه‌داری مدنیت در تغییر» با سوره انفال، «چیزها چونان جاری در وجود با سوره انعام»، «نقد و بررسی نظریه‌های تفسیری» و «فاعلیت ایجاد جریان‌های تفسیری» مرور می‌شود؛

۳. در گروه اخلاق و سبک زندگی با دعای ابوحمزه «ژرف‌ترین نیاز، ژرف‌ترین جستجو» و نیز با دعای صحیفه سجاده «دعا در دفع بلاها و سختی‌ها» پیش روست؛

۴. گروه پژوهشی فقه و حقوق نیز در بحث فلسفه فقه «مبانی فلسفه دینی فقه» را آغاز نموده است و در فصل فلسفه اصول هم‌چنان در پی «ساختار تازه‌ای برای فلسفه اصول» است؛

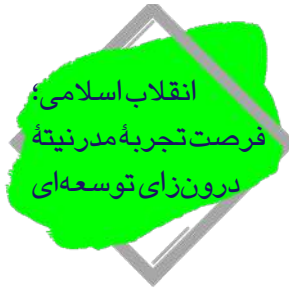
۵. گروه پژوهش علوم انسانی نیز در این مرحله از کتاب «گفتگوهای اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی» به «مفهوم‌شناسی کارکرداری علوم انسانی» نظر افکنده است؛

۶. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی بحث تدابیر سند الگوی پایه پیشرفت در گزارش «اندیشکده سیاست» و هم‌چنین گزارش «پیشرفت به مثابه یک سازوکار» در دستور تأمل است؛

۷. انجمن علمی هم‌اندیشی پیشرفت در فرصت خویش به «گذار توسعه‌ای از مدنیت ۹۸» پرداخت و در ادامه سلسله نشست‌های کارگاهی مدیریت دانش نیز «کارگاه نمایه‌سازی» برگزار شد.

دبیر علمی

در گروه مدیریت پژوهش موضوعات مربوط به حوزه مدیریت علم و نظام مدیریت تحقیق در مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) در دستور تحلیل می آید. «انقلاب اسلامی؛ فرصت تجربه مدرنیته درونزای توسعه‌ای» نمونه موضوع گزارش در این نوبت است.



انقلابی زمانه معاصری به تبع جنبش اوصیایی نشأت گیرد. فلسفه برگزیده می‌تواند نهضت انقلابی معاصر خود را به زبان فکر بیان کند.

می‌توان از یک سیستم فلسفی شبیه دایره سخن گفت که در آن آغاز همان انجام است و انجام همان آغاز. تصویر دایره در هر مرحله از فکر تغییر و فکر تحول دیده می‌شود. به عبارت دیگر «کل» در تمام مراحل سیر خود حضور دارد. این سیر در «سیستم فلسفه چگونگی» به شکل بسط دیالکتیکی «ایده» در واقعیت صورت می‌پذیرد. ایده، ابتدا فکری یگانه با خویش و در عین حال فعالیتی است که در تقابل با خویش قرار می‌گیرد تا «برای - خود» شود و در عین داد و ستد با خویش و برون روی از خود، در دیالکتیک سوژه و ابژه از دایره زیستمانی خویش خارج نمی‌شود. در نتیجه، علم معطوف به تحول و تغییر در مثل ویرایش فلسفی انقلاب اسلامی و علم انقلاب به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱. منطق یا علم ایده «در - خود» و «برای - خود» و در فرآوری آن اصول یا روش‌شناسی ایده: منطق فکر؛
 ۲. فلسفه ابژه یا علم ایده در موجودیت خارجی آن، که اجزای موقعیت زیستی انسانی هستند؛
 ۳. فلسفه روح، فلسفه سوژه یا علم ایده، آن‌گاه که از موجودیت خارجی‌اش به خویش باز می‌گردد.
- از سوی دیگر ایده در حرکت بازگشت به خویش، به صورت سه حرکت گسترش‌یابنده متجلی می‌شود؛ سه بخشی که سه بخش متوالی فلسفه روح تغییر و تحول را پدید می‌آورد؛ این سه بخش عبارتند از:

۱. روح ذهنی یعنی «روح در حالت ذاتی و طبیعی خویش» که اینک آن را پارادایم می‌نامند؛
۲. روح عینی یعنی «روح عملی» که می‌توان از آن به فلسفه چگونگی تعبیر کرد؛
۳. روح مطلق یعنی «روح در تحقق محض خویش» یعنی روح در حیث زیستمانی اصیل آن که در نماد گفتمانی آن به شکل هنر و در نماد زیستمانی آن به شکل دین نمایان می‌شود و سرانجام به علم فلسفی ختم می‌گردد و فهم تجربه‌پذیر از آن ناشی می‌شود.

در نشست‌های تخصصی «سیاست پژوهش» در اردیبهشت ماه، به این موضوع پرداخته شد که جهان ایرانی در پایان نیم سده عصر انقلاب اسلامی، چونان یک اپیستم یا معقول ثانوی می‌تواند فرصت تجربه مدرنیته درونزا، مستند به سامانه‌ای از سطح عقلانیت خودویژه باشد که بر بنیان آن، انسان‌شناسی خودویژه سپس بر مدار این دو لایه، رخداد سه‌گانه دین‌پیرایی بر مدار سطوح یادشده با برآیندگیری در اندیشه مرجع پیشرفت و ملت‌سازی یا دولت - ملت نوین، در قرائت امت - امامت و نیز افق‌گشایی معین تمدنی شکل می‌گیرد. در این سامانه نوبنیاد، نهاد پیشاهنگ پژوهش چه سیاست مرجعی برای خویش دارد؟ سیاست پژوهش در دهه‌های پیش رو، از اینک باید چشم‌انداز روشن‌بینی به آینده علم در ایران و جهان داشته باشد. سودای محوری مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، فیلسوفی عصر مدرن ایرانی است و مدرنیته درونزای دین‌شناخت در جهان ایرانی، موضوع اصلی تفکر در این نهاد پیشاهنگ است. گویا که در تجربه دهه‌های پیش رو، آسمان و زمین به یک‌دیگر نزدیک شده و در برهه‌هایی جای‌گزین یک‌دیگر می‌شوند. از سیاست مدرن سخن خواهیم گفت، آن هم به عنوان مرحله عالی فلسفی شدن جهان ایرانی؛ و هم‌زمان روند اندیشه پیشرفت‌شناخت را در چارچوبه فرآیندی سیاسی و تاریخی و پدیدارشناختی مد نظر خواهیم گرفت. مقوله دولت به مثابه روح امر مدنی دیده می‌شود و مرجعیت آن به اندیشه مرجع پیشرفت توضیح می‌گیرد و از آن سوی، نمونه آینده روحانیت در جهان معاصر، امر آسمانی شده روحانیت را به زمین آورده و در معرض یک امر مدنی و قابل نقد قرار می‌دهد. انقلاب کبیر اسلامی، قرار بر تفسیر فلسفی - زیستمند انقلاب اوصیایی داشت و فلسفه اینکی ما و روش‌شناسی برگزیده ما را می‌توان و به ناگزیر باید در رابطه با انقلاب کبیر اسلامی تفسیر و درک کرد. از لحاظ تاریخی می‌توان فلسفه‌ای داشت که از نهضت

در واقعیت واحد تغییر با تأکید بر دو وصف زیستمانی و مدنی و واقعیت واحد تحول در امر تمدنی و تاریخی گرد می‌آیند. این واقعیت عقلی است و موضوع آن مفهوم خود آن است؛ پس عقلی بودنش تنها بدین علت است که بنیاد گفتاری حقیقی است که دیگر در برابر نهاد با خودش نیست؛ بلکه پدیداری جهت‌یافته برای تجربه ظرفیت‌های بالغ‌تر است. هر گفتاری درباره واقعیت، در واقعیتی گفتاری و منطقی جای دارد؛ یعنی در واقعیتی عقلی این است که کار تفکر چیزی جز این حرکت وقفه‌ناپذیر میان اندیشه، تجربه زیستی، زبان و گفتار فعال و واقعیتی که در این اندیشه، تجربه و گفتار و این فعالیت تجلی می‌کند، نیست. عبارت تحلیلی‌تر آن، حرکت وقفه‌ناپذیر میان سطوح پارادایم، نظریه، مدل مفهومی، مدل عملیاتی در پیوست با واقعیت و گفتمان است. در ادبیات قرآنی به این اندیشه وقفه‌ناپذیر، حکمت

گفته می‌شود. در حقیقت، واقعیت، این دایره شامل، این منظومه از پارادایم تا گفتمان است، واقعیت برابر نهاد انسانی و گفتمان برابر نهاد واقعیت پیش روی تجربه امر انسانی است. دایره یادشده بزرگ، این برابر نهاد نسبت امر انسانی با واقعیت بیرون است. این آمد و شد مستمر میان مراتب یادشده، هم‌زمان به صورت دو حرکت مختلف ظاهر می‌شود:

۱. به صورت حرکتی دیالکتیکی و رفت و برگشتی یعنی دایره‌ای، پیش‌رونده و بازخورنده یعنی حرکتی «کلی و جامع» که حاصل جمع حرکت‌های خاص نظام و نیز وحدت برابر نهادهای گوناگونی است که در داد و ستد میان پارادایم و واقعیت در جریان «تحول» نظام پدیدار می‌شود؛

۲. به صورت حرکتی خطی که به کمک خطی مستقیم می‌تواند رو به هدفی معین در جاذبیت الهیاتی آن را نمایش داد. خطی که از نخستین حقیقت عقلی، به وحدت حقیقت در مفهوم می‌رسد و در این مسیر از مراتب مختلف حقیقت، از سطح تجربه عقلی تا عالم راز و تا عالم ناز، می‌گذرد. حرکت دیالکتیکی یادشده در این خط بلوغ، استمراری فرارونده دارد. تعبیر فنروارگی تغییر در برآیند این دو حرکت، اینک معنی دار می‌شود.

هم‌چنین این راه منطقی، تحقق مفهوم حقیقت در چارچوب کل نظام فلسفی به صورت مسیری پدیدارشناختی تجلی می‌کند که مراحل رشد منظم آگاهی را به سمت علم و حکمت جامع نشان می‌دهد. این علم، دانش مطلق است که حقیقتش مکتسب از وحدت زیستمانی در جریان رشد است که به نوبه خود چیزی جز مراتب سیر تحول روح در جریان تحقق عینی آن نیست.

روح مطلق زمینه‌ای است تا دیالکتیک ذهن و عمل (روح ذهنی - روح عینی) یا دیالکتیک سوژه و ابژه در سه ساحت استنباطی، استنتاجی و کاربستی هویدا شود. انقلاب اسلامی، ترجمان روح مطلق است که به فراخور دیالکتیک سوژه و ابژه، معادله نسبت میان ذهن و عین می‌تواند برقرار شود و از این مجرا سیاست دانش با همراهی سیاست روش، در مساحت همان دایره ترسیم روشنی گیرد.

جهان معاصر از غرب تا شرق و به طور خاص جهان ایرانی در تب و تاب غلیان تازه‌ای است. استقلال و آزادی و مدنیت، احتمال و ویرایش دین‌شناخت به خود گرفته است. شیوه‌های نوین تفکر و عرصه پارادایم‌پژوهی برای درک چگونگی تفسیر و تدبیر جهان از جمله درک ظهور معنا، حس استعلا، آزادی و عدالت در تاریخ بشریت به عرصه گفتگوی بشر معاصر آمده است و رخدادهایی چون تحولات منطقه

خاورمیانه، جهان شرق، پدیده کرونا و گذار از مدرنیته غربی و ظهور تنوعی از عرصه پسامدرن در مثل نمونه معاصر «زندگی در خانه» و مدرنیته وارونه، اوصاف جدی جهان جدید است.

با دوره معاصر، فلسفه، وظیفه تازه‌ای به عهده گرفته است که به نوبه خود، همه شاخه‌های علوم را در بر گرفته و نمودار کلیت دانشی بشر شده است. از سویی دیگر فکر دایره‌المعارفی پیشرفت، مستلزم ایجاد روش نوین در تفکر است که به نوبه خود همان روح نظام یا سیستم است؛ به صورتی که در نمونه آثار علامه محمدحسین طباطبایی، هگل، علامه محمدتقی جعفری، هایدگر و چونان این اندیشمندان می‌شناسیم. علم در این فکر، فراتر از مفهوم تجربه‌پذیر آن یا اصولاً همان نظام است؛ پس فلسفه در اساس کلیتی است که عرصه‌های از هستی‌شناسی تا معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، ارزش‌شناسی و تا فلسفه دین و از این رهگذر تمامی رشته‌های علوم را شامل می‌شود. به این ترتیب می‌توان از دایره جامعی سخن گفت که دایره‌های مجزایی از هم را در محیط خود در بر می‌گیرد و تا ساحت فلسفه چگونگی و عمل توسعه‌ای تداوم دارد. هر یک از این دایره‌ها مرحله‌ای ضروری در نمایه کل نظام است. غایت نظام، قاعده درونی تحول هر حقیقت خاص تلقی می‌شود؛ اما هر امر خاص از آنجا که خواسته است به خاطر ظهور وضع خاص تازه‌ای، در عین حال از خود عبور می‌کند و وضعیت تازه‌ای رخ می‌دهد و ناظر به چگونگی معینی در عرصه اقدام می‌شود. بدین‌سان، هرمنوتیک پیشرفت اتفاق می‌افتد؛ تا آنجا که تمامی این منظومه‌ها

پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی)

دبیر علمی: رضوانه دستجانی

گروه مطالعات تفسیری، در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه، در این شماره، شش گزارش «جدیت بر حکم، فقه مقاصدی»، «سوره نساء؛ مدنیت و فاعلیت مدنی»، «فلسفه‌داری مدنیت در تغییر»، «چیزها چونان جاری در وجود با سوره انعام»، «نقد و بررسی نظریه‌های تفسیری» و «فاعلیت ایجاد جریان‌های تفسیری» به معرض نظر می‌آید.

مخاطب در این گام، از حیث زیستمانی آیه سوره اعراف و فرهنگی آیه سوره نساء به حیث ملت - دولت وارد می‌شود و شرح وظیفه فاعلان مدنی و حاکمیتی را به موازات یکدیگر تعیین می‌کند. از این پس در نظام تنزیل، موضوع مسکرات و قمار یک مسئله مشترک فردی، اجتماعی و حاکمیتی است. در این گام، هدف‌گذاری عملکرد، نماد و نمود حکمی و تکلیفی و فقهی می‌یابد. تجلی نظام اهداف در نظام حکم، در این آیه ترسیم می‌شود و از همین مجرا مقوله فقه نظام، جایگاه یافته و معنی می‌شود.

۴. با آموزگاری سوره بقره، زمینه‌سازی فقه مقاصدی نهایی شده و مدیریت راهبردی جامعه هدف می‌تواند ابلاغ حکم مولوی کند. پس حکم «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ يُصَدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ» (مانده، ۹۱ - ۹۰) در ذیل گام عینیتی و برنامه‌ای فقه نظام در متن جامعه هدف ابلاغ شده و شرح وظیفه نظام مدیریت اجتماعی معین می‌شود.

آغاز آیه با واژه سؤال در قالب فعل مضارع و ضمیر خطاب به پیامبر، آن هدف‌گذاری برنامه‌ای را در گام سوم روشن می‌کند. در همین راستا اثم که به معنی گناه است، در اینجا مقابل منافع آمده و به معنای ضرر است تا آموزگار این نکته جامعه‌شناخت باشد که حکم، مقصد و فلسفه‌ای دارد. آیه حاوی دو سوال است:

۱. حکم خمر و میسر: کلمه «خمر» به معنای پوشش است و به پارچه‌ای که زنان سر خود را با آن پوشانده و مراعات حجاب می‌کنند، «خمار» می‌گویند. از آنجا که شراب، قدرت تشخیص را از عقل گرفته و در واقع آن را می‌پوشاند، به آن «خمر» می‌گویند. همچنین کلمه «میسر» از «یسر» به معنای آسان است. گویا در قمار، طرفین می‌خواهند مال همدیگر را به آسانی ببرایند.

۲. انفاق: آیه در جواب می‌فرماید: «عفو» را! عفو در لغت به معنای گذشت و آمرزش بهترین قسمت مال است. دیده می‌شود که فراغت خمر و پاکبازی قمار با جایگزینی صفای انفاق پی می‌گیرد تا انقلابی در هدف‌گذاری عملکردی را نشان دهد. نظام اهداف را

جدیت بر حکم، فقه مقاصدی

در ادامه نشست‌های تفسیری سوره بقره در ماه اردیبهشت، آیات ۲۱۹ به بعد سوره مورد تفسیر و تبیین قرار گرفت. در توضیح این فراز از برداشت تفسیری آمده است:

فقه مقاصدی دوباره و در فرازی دیگر، اینک با لحاظ جریان در عرصه برنامه‌ای نظام مدیریت تغییر با آیه ۲۱۹ پیش روست و از این رهگذر، جایگاه نظام تنزیل و کارکرد آن با نظام مفهومی و ساخت سوره به روشنی افزون‌تری می‌گراید. تدریج و تخفیف همراه رشد ایمان و هجرت و جهاد برداشته می‌شود و صراحت و تکلیف در مقایسه با فراز حکمی سوره نساء حضور جدی‌تری دارد. ترتیب تاریخی فقه خمر را مرور کنیم:

۱. آموزه «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَ الْأِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (اعراف، ۳۲) که فقه حرمت به طور عمومی در این سوره مکی جایگاه می‌یابد و سامانه مفهومی آن ظاهر می‌شود.

۲. در سوره‌های مدنی، موقعیت برنامه‌ای ظهور فقه کاربرد، حیث مقاصدی خویش را می‌یابد و با «لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى» (نساء، ۴۲) حیث مدنیتی خویش را بروز می‌دهد. آیه در فضای سبب نزولی حضور نمازگزاران با حالت مستی در مسجد نازل شده است.

۳. حکم ارشادی آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره، ۲۱۹)، در فضای زمینه‌ساز تجربه فقهی دین‌ورزی با نظر به زمینه‌سازی ضرورت دانش‌بنیانی نظام مدیریت تغییر - به قرینه یسألونک - در گام پساتنزیلی آیات سوره‌های اعراف و نساء، ذهنیت‌آفرین فکر فلسفه فقهی مخاطب دین‌دار خویش است: «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ».